

«آقا مرتضی»

باید محور اتفاق باشد نه افتراق

مشارجه‌ای که بین بنیاد روایت فتح از یک سو و سازمان هنری رسانه‌ای اوج از سوی دیگر بر سر مستند «آقا مرتضی» ایجاد شده است، اتفاق خوشایندی نیست.

شاید این اوج بدسلیقگی باشد که شخصیت «آقا مرتضی» را به عنوان یکی از عناصر ایجاد قدرت و تقویت استدلال و تدلیل در بین جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی به عرصه‌ای برای مستهلک کردن انرژی و توانی که باید صرف دشمن‌شناسی و تقویت جبهه انقلاب شود، تبدیل کنیم. به کلام بهتر اتمال «آقا مرتضی» محور همگرایی و همدلستانی نیروهای جبهه فرهنگی انقلاب هستند نه میجالی برای خراشیدن صورت نیروهای فرهنگی انقلاب. قطعاً اگر سیدمر ترضی هم در قید حیات دنیایی بود و دستش از این دنیا کوتاه نبود، کمترین رضایتی در رخ دادن یگومگوهای انرژی‌بر در صفوف جریان ارزشی و انقلابی نداشت.

بدون هر گونه سوگیری بد نیست نکاتی را خطاب به هر سه وجه ماجرا یعنی همسر شهید آوینی، بنیاد روایت فتح و سازمان هنری رسانه‌ای اوج مطرح کنیم.

یک طرف ماجرا می‌گوید: «خروج این حجم بسیار از آرشيو که برخی از آنان به دلایل متفن از سوی مدیران وقت گروه به صورت محرمانه نگهداری می‌شده، در زمان تصدی مسئول سازمان‌اوج در بنیاد فرهنگی روایت فتح در پایان سال ۱۳۹۶ و اوایل سال ۱۳۹۷ و به دستور شخص ایشان از آرشيو بنیاد خارج و در اختیار عوامل مستند مذکور قرار گرفته است»، یعنی کشاندن یک بحث مدیریتی و سازمانی به فضای رسانه‌ای کشور و عجیب بودن ماجرا از این جهت که چرا فاصله‌ها آنقدر دور است که سوء تفاهم‌های اینچنینی بر سر یک مستند در فضای دوستانه و خودمانی حل نمی‌شود و چرا کار به بیابیه‌نویسی و استفاده از ادبیات مچ‌گیری می‌کشد. اساساً اقدام درست یا غلط یک مدیر فرهنگی در زمان تصدی پست مدیریت یک مجموعه چه ربطی به همه دغدغه‌مندان و هنرمندان ... دارد؟! مگر در مابقی موارد مشابه همین رویه به کار گرفته شده که حالا اختلافات داخلی بر سر راش‌های یک

مستند به میان افواه و افکار عمومی کشیده شده است؟ پاسخ دادن به بیابیه‌ای که نتیجه آن خدشه وارد کردن بر اعتماد عمومی نسبت به جریان فرهنگی انقلاب (چه در حوزه امتانداری و چه در حوزه مراعات اخلاق و...) است، قطعاً ضرری مضاعف دارد، در حالی که وظیفه همه دوستان تقویت نیروها جهت تبیین و تئوریزه کردن اهداف و مرام انقلاب اسلامی در داخل و خارج از کشور است. ضمن اینکه اشاره به روند و سیر انتخاب یک مدیر فرهنگی «به پیشنهاد فرمانده محترم و سبقت سپاه پاسداران و با حکم رئیس محترم وقت سازمان وثق مستضعفین» که رفتاری سازمانی محسوب می‌شود، به هیچ عنوان نمی‌تواند دلیلی بر حقانیت یا باطل بودن رفتار تالی افراد باشد، چه اینکه هر دو بزگوار به طریقی مستظهر به این شخصه هستند و اگر قرار است مورد محاجه و مفاخره قرار بگیرد در حق هر دو برادر صادق است.

اما آنچه به نظر می‌رسد دع‌وای اصلی برناراحتی و تذکر خطاری است که از سوی خانواده شهید آوینی ابرز شده است، چه اینکه معسر «آقا مرتضی» می‌گوید: «وقتی بخش اول مستند را دیدیم، واقعا احساس کردم یک تعرض به خانواده‌ام صورت گرفته و زیر پا گذاشتن حریم خانواده را با پرده‌دیی و واقحت باور نمی‌کردم». بعد از این اظهارات است که دوستان بنیاد روایت ضمن دعوت «از همه دوستان به خوشبختنداری و نقد اثربخش در رفع این عارضه بزرگ که قلب بسیاری را از جمله خانواده شهید عزیز نیز آزرده» آتش توپخانه بیابیه‌ای را ساز کردند. تحلیل این دو گزاره نشان می‌دهد ظاهراً طرح برخی واقعیات و حقایق زندگی شهید آوینی بر خانواده ایشان گران آمده و مایل نبودند مردم بدانند آقا مرتضی مثلاً در زمان دانشجویی و مجردی چه چالش‌هایی را از سر گذرانده تا از حیض کامران بودن به اوج سیدشهیدان اهل قلم برسد.اما اگر بخواییم منصفانه به مسئله نگاه کنیم، می‌بینیم شهید آوینی شخصیتی شاخص محسوب می‌شود که نمی‌توان آن را صرفاً در محار تعریف و تعبیر خانواده و اقربین خلاصه و ارائه کرد، چه اینکه این شهید بزرگوار متعلق به همه احاد جامعه است، فلذا هر گونه تلاش برای محدود کردن و ایجاد انقیاد در تبیین افکار، اعمال و رفتارهایش توسط هر شخص، گروه یا جریان غیر عقلایی بوده و پدیرفتنی نیست.

نکته آخر اینکه اتمال شهیدشاسارخ ضرام، علی گندابی، طیب حاج رضایی، شهید دریاقلی سسورانی و شهید مجید خدمت معروف به مجید سوزوکی و ده‌ها نمونه مشهور دیگر به واسطه اینکه از فضای اسفل هوانرستی و حیض روزمرگی به در جات به بالای عیودیت و اخلاص دست پیدا کرده‌اند، به‌زیو محترم شده‌اند و قطعاً نقل سرنوشت و طرح چگونگی انقلاب درونی آنها نه تنها باعث کسر شأن این افراد نمی‌شود بلکه ممکن است کورسوی امیدی برای بازگشت و توبه و انابه افراد مبتلا به فراهم کند.

شعر

غلامرضا طریقی، شاعر و منتقد ادبی:

غزل امروز در امتداد غزل منزوی است

شعر و ترغیب شاعران جوانی که الان تأثیرگذار هستند، نشان داد همان‌طور که قبلاً پیش‌بینی شده بود، غزل باید همچنان باقی بماند و با تغییر زمان پیش برود.
طریقی با اشاره به اینکه امروزه نیز با وجود گسترش شکل‌های جدید شعر هنوز شاهد این هستیم که بخش مهمی از شعر معاصر به شکل غزل نوشته می‌شود، تصریح کرد: خوشبختانه امروز استقبال خوبی از غزل صورت می‌گیرد، شاید همه غزل‌هایی که نوشته می‌شود مطلوب نباشد اما بخش مهمی از شعر معاصر غزل است و ما این موضوع را مدیون بزرگانی چون شهریار و ابتهاج و سیمین و بهمنی و منزوی هستیم. وی با اشاره به اینکه با روند در پیش گرفته شده، غزل بخش اعظمی از شعر معاصر را پوش می‌دهد و به صورت مستمر به‌روز خواهد شد، اضافه کرد: شاید شعرانی که امروز در این عرصه فعال هستند، شناخته‌شده نباشند، اما قطعاً وقتی از این دهه بگذریم، چهره‌های موفقی همچون ادوار گذشته خواهیم داشت.

طریقی تصریح کرد: در گذشته ما افرادی همچون منزوی را در غزل داشتیم، امروز هم کسانی را داریم که در این زمینه به صورت جدی فعالیت دارند، اما فعلاً شناخته شده نیستند. این منتقد ادبی در پاسخ به این سؤال که آیا غزل نسبت به دوره منزوی افت کرده است یا خیر؟ گفت: مقایسه دو دوره مختلف اشتباه است و به عقیده بنده غزل افت نکرده بلکه در حال طی مسیر است. یک مسئله نیز این است که این غزل ادامه همان غزل منزوی است و ادامه همان پرچم است و این عزیزان پرچم را به شاعران جوان سپرده‌اند، شاعران این نسل هم، این پرچم را پیش خواهند برد، خواه یک قدم باشد، خواه ۱۰ قدم.

روزنامه‌سیاسی، اجتماعی و فرهنگیصبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز

مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی

سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان

آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری

قطاع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۰

روابط‌عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، شماره: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴۴

توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۳۱۹۴

چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان

www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۱۸۷ | سه‌شنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۰ | ۷ رمضان ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۳:۰۳ | غروب آفتاب: ۱۹:۴۲ | اذان مغرب: ۲۰:۰۱ | نیمه‌شب شرعی: ۰۱:۱۸ | اذان صبح فردا: ۰۵:۵۴ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۲۴

سریال‌های نمایش خانگی همچنان حبس در تهران!

با اینکه جای جای ایران مشحون از مناطق و موقعیت‌های جغرافیایی و تنوع و رنگارنگی فرهنگی است اما سریال‌ها به خصوص در بخش نمایش خانگی همچنان در تهران حبس هستند



■ **جواد محرمی**

صداسو سیما چند سالی است که با فعال

از سریال سازی را از تهران بیرون ببرد و گوشه‌ای از فرهنگ و ستن و آداب دیگر مردمان ایران را در آثار نمایشی باز تاب دهد، با این حال هنوز در سریال‌های شهرستانی که مراکز استان‌ها می‌سازند، جغرفیا محلی از اعراب ندارد و صرفا به بازتابی لِهجه پسندنه شده است. جغرفیا و زیست‌بوم البته به طور کلی در بخش اعظم آثار نمایشی که در چند دهه اخیر و پیش از آن در ایران ساخته شده مغفل و به جز برخی استثناها هویت جغرفیایی در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی عصری بی‌اهمیت بوده است.

سریال‌ها و فیلم‌های ایرانی اغلب با درون خانه می‌گذرند یا در خیابان و نهایت ذوق کارگردان‌ها این است که مثلاً حالا با وجود پدیده‌ای چون هلی‌شات از بالای بزرگراه‌ها نیز تصاویری بگیرند یا مثلاً از بالای کوه نمایی از شهر را ضمیمه کنند و متأسفانه همواره خلافت بخش اعظم فیلمسازان ایرانی از این فراتر نمی‌رود.

■ **وظیفه‌شناسی مسعود جعفری جوزانی**
در تاریخ سینمای ایران البته به برخی آثار برمی‌خوریم که معلوم است فیلمساز در آنها درک مناسبی از جغرفیا داشته و آن را منعکس کرده، برای مثال در آثار امیر نادری این مؤلفه جدی گرفته شده است. «دوندۀ»، «تنگسیر» و «ساز دهنی» در اینساره نمونه‌های خوبی هستند یا کیانوش عیاری در فیلم آن سوی آتش تا حدی جغرفیا و بوم را مورد توجه قرار داده است.

همچنین مسعود جعفری جوزانی را باید از جمله فیلمسازانی دانست که آگاهی زیادی در زمینه استفاده مناسب از فضای بیرونی و جغرفیا در فیلم‌هایش نشان داده و ردپای این موضوع به خوبی در آثار او دیده می‌شود. در فیلم‌های «شیرسنگی»، «در مسیر تندباد» و «جاده‌های سرد» که هر سه در دهه ۶۰ ساخته شده‌اند به وضوح جغرفیای محلی حضوری چشمگیر دارد یا در سریال «در چشم باد»

حکمت

حضرت زهر(ا)س):

خداوند قصاص را برای حفظ

خون‌ها واجب کرد.

(من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص

۵۶۸ ص۴۹۴۰)

و مانند قطره‌ای از دریاست.

■ **جغرفیا و زیست‌بوم در سینمای امریکا**

متأسفانه ایران به لحاظ تصویری در لنز دوربین معدود فیلمسازیانی که از آنها یاد شد، ظهور و بروز پیدا کرده و اغلب فیلمسازان، ایران جغرفیایی و فرهنگی را خواسته یا ناخواسته به نوعی سانسور کرده‌اند و متوجه اهمیت آن نبوده‌اند، این در حالی است که در امریکا فیلمسازان بزرگ همواره در آراشان از انعکاس این عنصر غافل نبوده‌اند و برای مثال ژانر وسترن بدون نماهای باز آو کوه و دشت و کویر و رود و دریاچه و جنگل و حیواناتی چون بوفالو به عنوان جغرفیا و زیست‌بوم نمی‌تواند معنایی داشته باشد. در واقع واژه وسترن با این تصاویر به عنوان مکملی برای کابوی اسلحه به دست در ذهن تداعی می‌شود. این در ژانرها و دوره‌های دیگر سینمای امریکا نیز نمود داشته است. مارتین اسکورسیزی در آخرین فیلمش با نام «مرد ایرلندی» گستره‌ای وسیع از جغرفیای امریکا را به تصویر کشیده است یا صرفاً به عنوان نمونه می‌توان به فیلم «تلما و لوئیز» ساخته ریذلی اسکات اشاره کرد که در قالب مسافرت ماجراجویانه و جذاب دو زن در ایالت‌های مختلف امریکا عنصر جغرفیا و زیست‌بوم به وضوح انعکاس پیدا کرده است و قابل حذف از فیلم نیست و چون پیکره‌ای غریبال تفکیک در فیلم نمود دارد.

در فیلم «فارس‌ت‌کمپ» نیز استفاده مناسب از جغرفیای چند ایالت امریکا به وضوح قابل مشاهده است.

■ **وظیفه بر زمین مانده مدیران فرهنگی**
هر چند لزوم استفاده از جغرفیا و زیست‌بوم مسئله‌ای است که بیشتر به درک و نگاه مسئولان است که بیشتر به درک و نگاه بی‌تردید لازم‌سازی کارگردانان مربوط می‌شود اما می‌تواند به جغرفیای بومی و ملی کرنگ کند، این زمینه نقش آفرین باشد ولی به نظر می‌رسد مدیران فرهنگی از صداسو سیما تاوزارت ارشاد هنوز به اهمیت این مسئله پی نبرده‌اند و همین باعث شده تا فرآیند فیلمسازی و سریال سازی همچنان در حیطه ففاسازی تنگ و محدود درون خانه‌ها و خیابان‌ها محدود بماند.

سانسور جغرفیا به لحاظ روانی تأثیر زیادی بر جامعه مخاطب آثار نمایشی دارد. اینکه مردم تصویر داشته‌های طبیعی ایران را که حجم زیادی را نیز شامل می‌شود مشاهده نکنند و داستان‌های نمایشی صرفاً بر محیط‌های تنگ و تار بگذرد، به طور مستقیم روی روحیه جامعه را تأثیر گذار است و می‌تواند تعلق خاطر جامعه را نسبت به جغرفیای بومی و ملی کرنگ کند، این در حالی‌ست که خورد که به لحاظ خوراک بصری سریال‌ها و فیلم‌های غیر ایرانی به این مسئله اهمیت می‌دهند و چشم مخاطب ایرانی را پر می‌کنند. وقتی سخن از ضعف سینمای ملی به میان می‌رود، بی‌تردید این مسئله در آن نقشی مهم دارد.

خبر

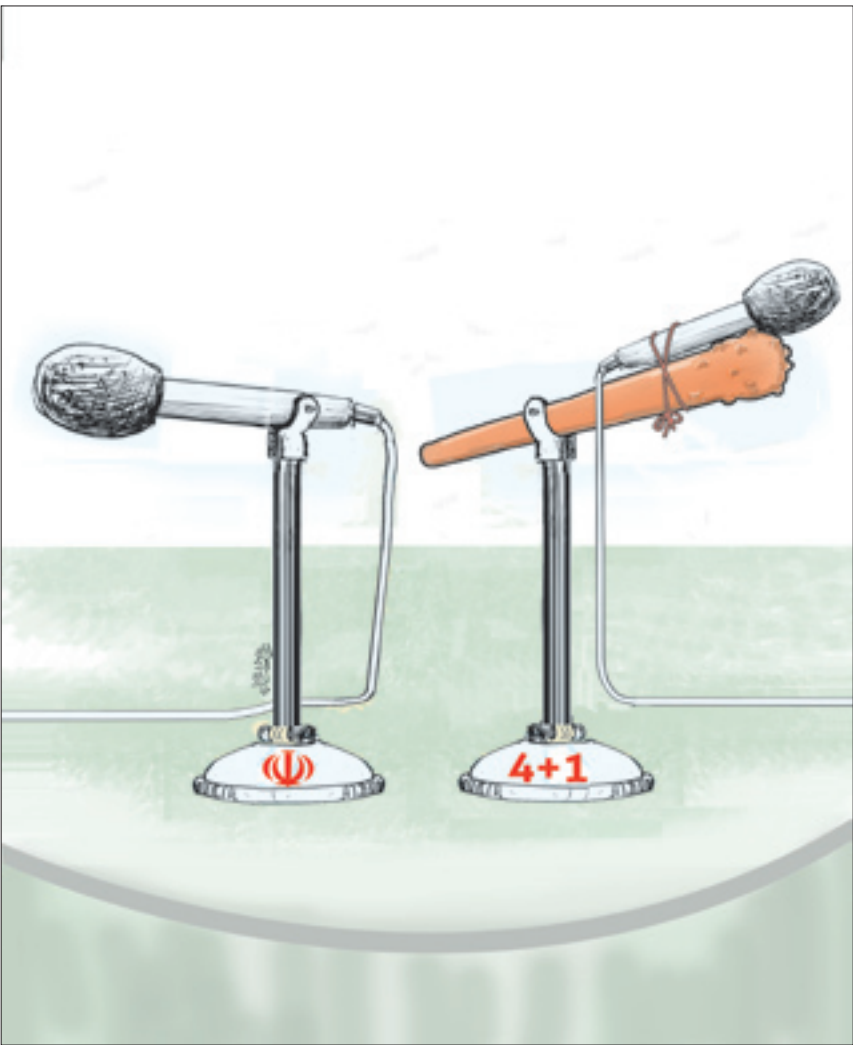
«فقط بیا»

داستان روزهای دلتنگی فرزندان شهدا

«فقط بیا» مجموعه داستان کوتاه دفاع مقدس با محوریت فرزندان شهدا، جوانان و نوجوانان زمان جنگ تحمیلی توسط انتشارات شهید کاظمی روانه بازار شد.

نویسنده مجموعه داستان کوتاه دفاع مقدس «فقط بیا» نمی‌خواهد که تلخی زمان جنگ را برای خوانندگانش زنده کند بلکه قصد آن را دارد که تابلویی از شجاعت و ایثار و از خودگذشتگی هشت‌سال دفاع مقدس را به تصویر بکشد. تابلویی که کودکان و نوجوانان زمان جنگ آن را به یادماندنی کردند. کودکان و نوجوانان دیروز که بهترین سال‌های زندگی‌شان را در جنگ گذرانند؛ کسانی که پدران و برادران و عزیزانشان را در جنگ از دست دادند. آنانی که معنای اسیر شدن و جانباز شدن و شهیدشدن را خیلی زودتر از سنشان آموختند؛ پدرو برادرانشان یعنی چه. این مجموعه داستانی که حاوی ۱۲ داستان با شخصیت‌های اصلی دختر و پسر نوجوان زمان جنگ تحمیلی به نگارش درآمده، طی ۱۰ سال نگاشته شده و بارها نقد و چکش‌کاری شده و به مشکلات خانواده‌ها در هشت‌سال جنگ تحمیلی ایران و عراق پرداخته است. نویسنده این اثر که در حوزه دفاع مقدس مدت‌ها قلم زده و آثار تحسین شده‌ای را به رشته تحریر آورده، این مجموعه داستان را یکی از بهترین کتبش و حتی اثر مورد علاقه‌اش می‌داند.
«فقط بیا» مجموعه داستان کوتاه دفاع مقدس در قطع رقعی و ۱۲۰ صفحه و به قلم فاطمه دانش‌ور جلیل توسط انتشارات شهید کاظمی روانه بازار شد.

نما حسین کشتکار



گفت‌وگو

در گفت‌وگوی «جوان» با داوود بیدل مطرح شد

خروج سریال سازها از تهران اتفاق مبارکی است

ای کاش نمایش خانگی هم به بیرون تهران سرکی می‌کشید

سعید آقاخانی با مهارت توانست هنرمندان بومی کرد را شناسایی و از آنها برای ساخت سریال «نون‌خ» استفاده کند، روش کاری آقاخانی درست بود و جواب هم داد، پس حالا همه کارگردانان می‌توانند از این روش استفاده کنند. کارگردان سریال «راه و بیراه» در ادامه گفت: برای ساخت سریال در شهرستان‌ها باید از منطقه مورد نظر اطلاعات کامل داشت، آدم‌هایش را شناخت و با تاریخ و جغرفیای منطقه آشنایی پیدا کرد. سعید آقاخانی چون خودش کرد بود، خیلی درست محل وقوع قصه‌اش را به درک‌دستان برد و نتیجه هم گرفت.

این کارگردان با اشاره به تنوع ژانری مورد نیاز برای سریال سازی گفت: الان در سریال سازی به جز تلویزیون، شبکه خانگی و حتی شبکه‌های اجتماعی را داریم که همه می‌کشند بیننده داشته باشند ولی در نهایت تمام سریال‌ها دیده نمی‌شوند و فقط بخشی از سریال‌هاست که بیننده دارند. داوود بیدل در بومی جواب می‌دهد، به درستی و بدون کبی‌کاری‌های جعلی از آن استفاده کنیم تا به تدریج صنعت سریال سازی ما در همه جای ایران ریشه‌دار شود و در نهایت بتوانیم در همه فصول سال سریال‌های باارزش مبینی داشته باشیم.

توسط انتشارات شهید کاظمی انجام شد

چاپ کتابی درباره ملی‌گرایی و تحریف واقعیت‌های دفاع مقدس

کتاب «تحریف واقعیت، جایگاه ملی‌گراییی در دفاع مقدس» نوشته سیدحسین منتظربین توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر و راهی بازار نشر شد. به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی انتشارات شهید کاظمی، کتاب «تحریف واقعیت، جایگاه ملی‌گرایی در دفاع مقدس» نوشته سیدحسین منتظربین به تازگی توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب در ۱۷۶ صفحه و با قیمت ۳۰ هزار تومان منتشر شده است.

سینما

محمود پاک‌نیت:

اغلب کارها را عجله‌ای و سراسری می‌سازند



است و این باعث می‌شود همه سرگردان شوند. وی درباره موفقیت شبکه نمایش خانگی در دوران کرونا افزود: این موفقیت طبیعی است زیرا مردم بیش از پیش خانه می‌مانند اما ما باید از این فرصت کمال استفاده را بگیریم و کاری کنیم که مخاطب بعد از کرونا هم آثار ایرانی را رها نکند، البته در قبال شخص بنده بازیگری در هیچ مدیومی فرقی نداشته‌و در هر کاری کار خودم را می‌کنم. این بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون درباره فعالیت هنرمندان در دوران کرونا اضافه کرد: هرچند کرونا هر روز اوضاع بدتری پیدا می‌کند اما به واقع کاری نمی‌توان کرد، نمی‌توانم تولیدات را متوقف کرد، زیرا علاوه بر مسئله معیشت هنرمندان تلویزیون بدون تولید نمی‌تواند به کارش ادامه دهد. پاک‌نیت درباره بازگشایی سینماها در شرایط فعلی عنوان کرد: واقعا مردم حق دارند که به سینما بروند، زیرا در حال عنوان سرسینما رفتن ترس دارد، اگر همه افراد هم در سینما نکات بهداشتی را رعایت کنند اما حتی یک لحظه قصوری صورت گیرد، جان بسیاری از آدم‌ها به خطر خواهد افتاد.